

بررسی تأثیر نظارت بر فعالیت‌های گروهی از منظر نهج‌البلاغه

چکیده

نظارت از جمله مفاهیمی است که در ارتقای کیفی فعالیت‌ها، برنامه‌ها و اندیشه‌های فردی و گروهی، مورد تأکید ادیان الهی بوده و اسلام به صورت خاص بر آن اهتمام دارد. اهمیت و حساسیت امر نظارت در فعالیت‌های گروهی و روابط اجتماعی، بیش از همه در شرایط و مقتضیات زمانی حضرت امیر^(ع) و در نهج‌البلاغه قابل مطالعه و بررسی است. تحقیق حاضر تلاش دارد تا مفهوم نظارت را مبتنی بر یک نظام طراحی شده مشخص و اهداف دقیق، با تکیه بر سیره حکومتی پنج‌ساله حضرتش استخراج و تبیین کند. اهتمام ایشان به انضباط فردی و اجتماعی، تشویق و تنبیه مبتنی بر حق و انصاف، به‌کارگیری روش‌های متنوع برای تحقق نظارت مستمر و مؤثر بر فرایندهای عمومی و تامل در واژه‌های پرکاربردی چون: "اخبرنی" و "بلغنی"، به ویژه در نامه‌ها و مکاتبات اداری حکومتی، حاکی از جایگاه ویژه امر نظارت از منظر ایشان برای تحقق کیفی و مطلوب ارزش‌های والای انسانی است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۸
از صفحه ۴۱ تا صفحه ۵۸

دکتر محمود واعظی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران
mvaezi@ut.ac.ir

صدیقه احدی
کارشناس ارشد دانشگاه قرآن و حدیث

کلید واژه:
امام علی^(ع)، نهج‌البلاغه، نظارت،
ارزیاب مقدمه.

مقدمه

بنای تمدن اصیل اسلامی در عصر نبوی، مرهون آموزه‌های وحیانی است که رسول امین بر جامعه بشری ارزانی داشته و خود و اهل بیتش^(ع) که مخاطبان و مفسران حقیقی آن هستند، سیره و سنت خویش را برای هدایت و الگوگیری دیگران به یادگار گذاشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵). از جمله مباحثی که در فرایند تحقق تمدن اسلامی و حاکمیت الهی در قرآن کریم و سیره معصومان مدنظر بوده و در تحقق ارزشهای الهی در جامعه بشری جایگاه ویژه‌ای دارد، مسئله نظارت و کنترل فرایندها در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است (ابن خلدون، ۱۴۱۰، ص ۳۴۹ و ۳۶۸) همانی که در کنار اصول و فروع دینی و مبانی حاکمیتی، اصلی زرین می‌باشد که شایسته امعان نظر و توجه است.

رهبری و مدیریت،^۱ تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت‌های بنیادین جوامع محسوب می‌شود و چگونگی ماهیت عناصر تشکیل‌دهنده آن، به نحوی، متوقف بر ساختار نظام ارزشی است. در این گفتار آن‌گاه که از نظام ارزشی سخن می‌گوییم، منظور همان نظام الهی است که بر مبنای آن، جهان هستی و انسان، هدفمند بوده و برنامه مشخص و جامعی را در جهت دست‌یابی به سعادت و کمال دنبال می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷).

انسان، محور همه آموزه‌های وحیانی، موجودی است که بر اساس نیاز فطری و غریزی خویش، اجتماعی است و برای زندگی و ادامه حیات به جامعه و محیط گروهی نیازمند است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۰). «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰).

بخشی از فرایند تحقق نظام‌های طراحی شده در مکتب اسلام نیز بر جامعه و گروه استوار شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۲). در بسیاری از خطاب‌های قرآنی شقاوت و سعادت به ملت‌ها و گروه‌ها نسبت کرده است و گاه نتیجه عمل فرد یا گروه کوچکی به همه جامعه سرایت داده شده است (رک: بقره/۷۹، ال عمران/۱۱۲، شمس/۱۴).

بنابراین گروه و جامعه از منظر تفکر اسلامی به دلیل ایجاد وحدت فکری و روحی و نیز ماهیت مستقل، دارای اصالت و اهمیت ویژه است و در آن فرایندهای روابط صحیح و ارزش‌محور، از جایگاه خاصی برخوردار است. از دیدگاه اسلام، تحقق صحیح فرایندها به صورت طبیعی از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد: اولاً از فطرت سلیم و خداداد که با شناخت دقیق و هشدارهای روشن، انسان را از ارتکاب گناه، ظلم و آلودگی‌ها مصون می‌دارد و در گزاره‌های فراوان به وسیله قرآن کریم و پیشوایان دینی درباره آن تذکر داده شده است.^۲ ثانیاً، از منظر بیرونی و عینی؛ که در این نوشتار از این نگاه به بحث می‌پردازیم. مسئله نظارت در سخنان و روایت‌های رسیده از رسول اکرم^(ص) و ائمه طاهریین^(ع) به صورت وسیعی مطرح شده است، اما شرایط و اقتضائات دوران حکومت علوی تنها مقطع خاص زمانی است که به صورتی

1- Management

۲- علم اخلاق و آموزه‌های اخلاقی در همه ادیان بویژه اسلام در این زمینه نکات ارزشمندی ارائه فرموده‌اند و روابط انسان را در سه بخش تقسیم کرده‌اند: رابطه انسان با خود، با خدا و با دیگران. برای مطالعه بیشتر رک به: معراج السعاده ملاحمد نراقی، اخلاق حسنه ملامحسن فیض کاشانی.

گویا و مشخص، می‌توان شاخصه‌ها و روش‌های حضرت را در اعمال نظارت در سطح عام و خاص و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملاحظه کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ص ۴). از بررسی و تتبع در سیره فردی و اجتماعی امیرالمؤمنین^(ع) به روشنی می‌توان استنباط کرد که از جمله مؤلفه‌های دستیابی به سعادت و سعادت‌بخشی در جامعه اسلامی، نظارت دقیق و همه‌جانبه بر تمام امور است. گفتنی است در نهج‌البلاغه از میان ۷۹ نامه، امام بیش از بیست نامه را به استناداران و عاملان خود در سرزمین‌های اسلامی نوشته و طی آن نظارت دقیق و کاربردی را به اجرا گذاشته است؛ بدین معنا که در نتیجه ارزیابی‌ها به برخی تذکر داده، برخی را سرزنش نموده و بعضی را عزل کرده است. در بررسی نقش و جایگاه «نظارت» در فعالیت‌های گروهی پرسش‌های زیادی به ذهن تبادر می‌شود: این‌که فعالیت‌های گروهی و جمعی از منظر امام^(ع) چه جایگاهی دارد؟ مفهوم نظارت از منظر حضرت کدام است؟ نظارت از منظر اجرایی و کیفیت تحقق، چگونه در نهج‌البلاغه مطرح شده است؟ به بیانی دیگر مولای متقیان علی^(ع) چه شیوه‌هایی به کار می‌گرفتند و کدام روش بهتر است؟ آیا نظارت در فعالیت‌های جمعی، تنها وظیفه مسئولان است یا اعضای گروه و زیردستان نیز چنین وظیفه‌ای به عهده دارند؟ ویژگی‌های ناظران چیست؟ این‌ها سوالاتی است که به اختصار به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

مفهوم شناسی

۱-۱. فعالیت گروهی

روابط اجتماعی از جمله «نیازهای فطری» و ضروری نوع بشر است و در نظام آفرینش، انسان به صورت فطری مدنی است (ابن خلدون، ۱۳۸۶، ص ۴۱)؛ یعنی انسان بر اساس عقل (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۰) ناگزیر از زندگی اجتماعی، تشکیل جامعه و ارتباط‌های متقابل است؛ به گونه‌ای که انسان بدون این روابط اجتماعی قادر به زندگی و ادامه حیات پویا و با نشاط نیست (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۷۳). گروه اجتماعی به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که دارای شاخصه‌های زیر باشد:

الف) وجه یا وجوه مشترک مهم (مانند هدف مشترک، دشمن مشترک و...).

ب) فعالیت مشترک و کنش متقابل.

ج) احساس تعلق خاطر یا احساس «ما» (همان، ص ۱۰۹).

به بیانی دیگر، گروه، عبارت از مجموعه‌ای افراد است که بر اساس يك مأموریت مستمر، برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های مشترک، با یکدیگر کار می‌کنند. کار گروهی، فعالیت هدفمند است که برای برآورده شدن نیازهای اجتماعی و احساسی یا انجام وظایف به اجرا می‌رسد. تمرکز این فعالیت بر افراد عضو گروه است و گروه به عنوان کل و سیستم ارائه‌ی خدمات، عمل می‌کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

گروه به دو مفهوم به کار می‌رود: ۱. گروه‌های نخستین؛ ۲. گروه‌های ثانوی. گروه‌های نخستین، دسته‌های کوچکی هستند که دارای روابط رودررو، عاطفی و دوستانه‌اند. با پیچیده شدن روابط و جرایم و شکل‌گیری تقسیم کار اجتماعی، گروه‌های ثانوی به طور روز افزونی شکل می‌گیرند. در این گروه‌ها روابط چهره به

چهره و عاطفی به شدت کم رنگ شده و بیشتر شکل رسمی و قانونی به خود می‌گیرند. (آنتونی گیدنز، ۱۳۶۳، ص ۱۸۲)؛ از این رو نظارت در این گروه‌ها بیشتر به صورت غیرعاطفی صورت می‌پذیرد؛ برای مثال فردی که عضو انجمن صنفی خاصی است، اگر به تعهدات خود عمل نکند معمولاً با روش‌های تعریف شده و خارج از روابط دوستانه و عاطفی، با او برخورد می‌شود (روسک، ۱۳۶۹، ص ۲۳۴).

نتیجه این‌که به طور معمول در گروه‌های نخستین (خانواده، گروه هم‌سالان و مانند آن) نظارت غیر رسمی وجود دارد، در حالی که در گروه‌های ثانوی که روابط عاطفی کم‌تری دارند، نظارت رسمی جریان می‌یابد (کوئن، بی‌تا، ص ۲۰۳).

دیدگاه ما از گروه در این مقاله، مفهومی عام است که هم شامل گروه‌های نخستین و هم گروه‌های ثانویه و رسمی می‌شود؛ به عبارت دیگر عنوان نظارت را برای هر نوع فعالیت به عنوان عضوی از گروه و نه شخصی، بررسی خواهد شد.

با بررسی دیدگاه‌های امام در نهج البلاغه می‌توان دریافت که از منظر ایشان، اولاً: گروه و جامعه به عنوان تشکل و روح جمعی آحاد انسانی دارای اصالت است. اصالتی از نوع ترکیب حقیقی فرهنگی که هم جامعه و گروه و هم افراد دارای اصالت هستند (رک: مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

در بیان هوشمندانه‌ای امام می‌فرماید: *أَيُّهَا النَّاسُ أَمَّا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)؛ ای مردم! همانا آن چیزی که به گروه وحدت می‌بخشد و سرنوشت مشترک به آن‌ها می‌دهد، خشنودی و خشم است. بدین معنا که هرگاه مردم به صورت جمعی درباره کاری که انجام می‌شود، هر چند به وسیله یک فرد، خشنودی یا ناراحت باشند، همه یک حکم و یک سرنوشت پیدا می‌کنند و حضرت ادامه داد که ناقه نمود را یک نفر پی کرد، ولی خداوند عذاب را به همه آنان نازل کرد. زیرا عموم آنان به تصمیمی که یک فرد گرفت راضی و خشنود بودند (شمس/۱۴ و شعراء/۱۵۷).*

ثانیاً، تشویق به اتحاد و هم‌دلی و کارگروهی در سراسر آموزه‌های علوی به چشم می‌خورد. امام علی^(ع) می‌فرماید:

«وَالرِّمُوا مَا عَقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ، وَ بُنِيَ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱)؛ و ملتزم شوید به آنچه که طناب جماعت (حقیقی) مسلمانان به آن بسته و ارکان اطاعت خداوندی بر آن نهاده شده است؛ یعنی از رشته‌ای که اجتماع را به هم پیوند داده و از آنچه فرمانبرداری خدا بر اساس آن بنا شده جدا نشوید (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۱۶)، اما به دلیل وجود زمینه‌ها و عوامل انحراف در فعالیت‌های گروهی، همیشه نگرانی وجود دارد که افراد از آن هدف جمعی خود منحرف شوند؛ زمینه‌هایی مانند: ریاست‌طلبی، مال‌دوستی، دنیاگرایی، هوای نفس، شهرت‌طلبی، فقر و مشکلات اقتصادی و... (اختری، ۱۳۸۴، ص ۸۴).

۲-۱. نظارت

«نظارت» لغت به معنای واری و «نظارت‌کردن» به معنای تفتیش کردن است. «نَظَرَ» به معنی نگرستن، تدبیر و اندیشه کردن در امری و سنجیدن و ورنانداز کردن آن است (دهخدا، ۱۳۴۰، ص ۲۳۳). نظارت همچنین به معنای کنترل، مراقبت، بازدید (Controlling یا Monitoring) است. از نظر

اصطلاحی، علما و دانشمندان، تعریف‌های فراوانی برای نظارت بیان کرده‌اند که از بین آن‌ها به تعریف جامع زیر می‌توان اشاره کرد: نظارت و کنترل عبارت است از: «استفاده از راهکارهای علمی، عملی و انسانی برای حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با قوانین و مقررات مورد عمل و کفایت آن‌ها...» (دادگر، ۱۳۸۶ ص ۲۵). تعریف مذکور از میان تعاریف اصطلاحی موجود، دقیق‌تر به نظر می‌رسد، اما نمی‌توانیم خود را در همین چارچوب محدود و ملزم سازیم. زیرا این تعریف اولاً، محدود به فعالیت‌های سازمانی یا سازمان یافته است. ثانیاً، نوعی نگاه بیرونی بر آن سایه افکنده است. مفهوم نظارت، مفهومی گسترده است که هم شامل فعالیت‌های رسمی و غیر رسمی گروهی و هم شامل ابعاد بیرونی و کنترل غیر نیز می‌شود. در نگاه دینی مراتب و ابعاد عمیق‌تری از این اصطلاح مدنظر قرار می‌گیرد؛ برای نمونه قرآن کریم در زمینه نظارت انسان بر خود می‌فرماید: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»؛ و هر نفسی باید بنگرد که برای فردایش چه آماده کرده است (حشر/۱۸).

۱-۲-۱. رابطه بین نظارت و ارزیابی

به منظور تحریر بیشتر محل نزاع، مناسب است درباره جایگاه و تبیین برخی واژه‌های مد نظر توضیحاتی داشته باشیم. مفاهیم نظارت و ارزیابی بیشتر به صورت هم‌معنا به کار می‌روند، اما دقت در آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشخصی نیز دارند. پیش از تبیین تفاوت ارزیابی و نظارت، لازم است به فرایند مدیریت اشاره کنیم.

مدیریت، فرایندی است متشکل از فعالیت‌های منظم، که عبارتند از:

- شناخت وضعیت موجود؛
- شناخت وضعیت مطلوب؛
- شناسایی راه‌حل‌های اصلی و جایگزین؛
- گزینش بهترین راه‌حل‌ها؛
- اجرا؛
- نظارت؛
- ارزشیابی.

دو مرحله پایانی، در فرایند مدیریت، نظارت و ارزیابی است؛ نظارت دقت در اجرای صحیح و به موقع برنامه‌ها و فعالیت‌ها و انطباق آن‌ها با اصول از پیش تعیین شده است. اما کارکرد «ارزیابی» علاوه بر آنچه ذکر شد سنجش نتایج و پیامدهای کارها و بررسی میزان تحقق اهداف و بازخوردگیری از برنامه و فعالیت‌هاست (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۷۹).

با توجه به معنای «کنترل» که محاسبه کارکرد و مقایسه عملیات پیش‌بینی شده با عملیات انجام شده است. از این رو درمی‌یابیم که ارزیابی و کنترل به یک معنا و هر دو در انتهای انجام فعالیت، صورت می‌گیرد (الموسوی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰). بنابراین «نظارت» همراه با عمل و فعالیت است و «ارزیابی» پس از پایان فعالیت انجام می‌شود.

۱-۲-۲. نظارت در قرآن

قرآن کریم، آبخور بنیادین آموزه‌های علوی، مفهوم نظارت را در قالب واژه‌های مختلفی به کار گرفته است؛ مانند: يُنظَرُونَ، الناظِرِينَ، انظُرْ، رَأَى، نُرِيَ، رَصَدًا، عَلِمَ و... تنها واژه "نظر" و مشتقات آن حدود ۱۳۰ بار و در ۴۸ سوره قرآن مجید استعمال شده که یازده مرتبه آن در سوره‌های مدنی و بقیه مکی است. این واژه در برخی آیات به معنای "نگاه کردن و عبرت گرفتن" و در تعدادی دیگر به معنای "تحت نظر قرار دادن" است و در حقیقت همان معنای نظارت و ارزیابی از آن‌ها استفاده می‌شود (عبدالباقی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸). به جهت اختصار تنها به دو دسته از آیات مد نظر اشاره می‌کنیم: اول آن‌ها که از نظارت خدا بر انسان خبر می‌دهد و دوم آیه‌هایی که به نظارت انسان بر خود تاکید دارد:

«وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس / ۶۱):

عملی را انجام نمی‌دهید، مگر این‌که ما گواه بر شما هستیم. در آن هنگام که وارد آن می‌شوید و هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن نیست، مگر این‌که همه آن‌ها در کتاب آشکار او (لوح محفوظ) ثبت است.

طبق این آیه شریفه، نظارت مفهومی همه جانبه است و شامل افکار، طرح‌ها، برنامه‌ها، گزارش‌ها و عملکردها می‌شوند، در هر سطح و درجه‌ای که باشند طباطبایی، ۱۳۷۴، ذیل آیه مربوطه / مدرسی، ۴۰۴). «إِلَّمْ يَعْلَمُ بَأَنَّهُ اللَّهُ بِرَبِّي: آیا او نمی‌داند که خدا [همه اعمالش را] می‌بیند (علق/ ۱۴).

پیام آیه این است که هر کسی بداند اعمالش در کنترل و نظارت خداوند است، تا بر دقت در کارهایش بیفزاید. موضوع کنترل و نظارت در آیات قرآنی هم شامل افراد می‌شود و هم برنامه‌ها. (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۸۷-۱۰۴) برای نمونه: آیه ۱۰ و ۱۱ سوره مبارکه «سباء» می‌فرماید:

«ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم (به کوه‌ها و پرندگان گفتیم): ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح گویید و آهن را برای او نرم کردیم و به او گفتیم: زره‌های کامل و فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن و عمل صالح به جای آور، که من به آنچه انجام می‌دهی، آگاه هستم.» از این آیه استفاده می‌شود که خداوند متعال برنامه زره‌سازی از آهن ذوب شده و سامان‌دهی این برنامه به شکل محکم و زیبا را به حضرت داود و کارگزاران او واگذار می‌کند و از او و همراهانش می‌خواهد که این عمل را شایسته و مفید انجام دهند و در پایان می‌فرماید: «من به آنچه انجام می‌دهید، بینا هستم»؛ یعنی شما کاملاً در کنترل و نظارت من قرار دارید. آیه شریفه در موضوع بحث ما صراحت دارد. زیرا خداوند از داوود و پرسنل او عمل صالح طلب می‌کند؛ یعنی عملی که مطابق اوامر و برنامه ارائه شده‌ او باشد. قاعدتاً بصیر و بینا بودن خداوند در این زمینه چیزی جز همان نظارت او بر افراد و فرایندها نیست (قوامی، ۱۳۸۳، ص ۴۹۲).

همچنین خداوند با وعده و وعیدها به بهشت و جهنم هر لحظه انسان را به مراقبت از اعمالش فرا می‌خواند تا غبار غفلت، او را به خطا نیندازد. جزا و پاداش الهی جز در سایه نظارت دقیق و پیوسته بر اعمال بندگان روا نیست. «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»؛ و هر نفسی باید بنگرد که برای فردایش چه آماده

کرده است (حشر/۱۸).

قابل توجه آن که قرآن کریم، با به کارگیری واژه هایی چون: " نگاه کردن و عبرت گرفتن " و "تحت نظر قرار دادن" انسان را به مدیریت برخورد و دقت بر اعمالش ترغیب می کند؛ به عبارت دیگر، نظارت را درونی ساخته و مسئولیت آن را به دوش هر فرد می اندازد.

۱-۲-۳. نظارت در نهج البلاغه

نهج البلاغه به عنوان شرح و تفسیر قرآن کریم، مفهوم نظارت را به صورت گسترده ای به کار گرفته است، کلمه نظارت و کلماتی که مفهوم نظارت را به نوعی می رساند، حدود ۸۶ بار در نهج البلاغه دیده می شود. کلماتی مانند: "نظر"، "فَحَصَّ"، "بَحَثَّ"، "خَبَرَ"، "عَايَنَ"، "عَيْنَ" و "يَلْحِظُ" (از ریشه «لحظ» به معنای باطن العین یا نهان چشم. چنان که می فرماید: «اللهم اغفر لي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاطِ» بار خدایا بیامرز برای من، اشارت های نهان چشم را (پهلوان، ۱۳۸۷، ص ۳۵۳). و نیز کلماتی چون: "اِخْتَبَرَ"، "رَاقَبَ"، "تَعَمَّقَ" در این معنا استفاده شده است (دشتی، ۱۳۷۶).

سیره علوی سرشار از اشارات، توصیفات و دستورهایی است که به مناسبت های مختلف، به ویژه در دوران حکومتی، در زمینه اهتمام به امر نظارت مطرح شده است که برخی از آن ها در نهج البلاغه در ضمن خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار گردآوری شده است. برآنیم تا مجموعه مطالب حضرت در این زمینه را در چند محور به صورت دسته بندی شده و کاربردی مطرح کنیم:

نظارت از منظر اجرایی و کیفیت تحقق

با توجه به کاربردهایی که از واژه نظارت در قرآن و نهج البلاغه ملاحظه شد، شایسته است از منظر اجرایی و کاربردی نیز به آن توجه کنیم. در یک نگاه کلان می توان نظارت را به لحاظ چگونگی و شیوه اجرا به دو دسته تقسیم کرد (فروزنده دهکردی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۹-۳۲۰).

۱-۲. نظارت آشکار این نوع از نظارت، به صورت آشکار صورت می گیرد و اعضای گروه از انجام آن آگاه هستند. این نوع نظارت، به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم قابل اجراست، که ضمن طرح هر مورد، از آموزه های نهج البلاغه نیز بهره خواهیم گرفت:

۱-۱-۲. نظارت مستقیم

در نظارت مستقیم، مدیر، بدون هیچ گونه واسطه ای بر کار زیردستان نظارت می کند و تمام مسائل را از کوچک ترین تا بزرگ ترین، تحت کنترل دارد. هرروزه و همیشگی امام علی^(ع) بر بازار کوفه مصداقی از این نوع نظارت است. ایشان، بخشی از وقت خود را همواره برای حضور مستقیم در بین کارگزاران و بدنه اجرایی دستگاه حکومت صرف می کردند. امام باقر^(ع) در تبیین روش نظارتی ایشان می فرماید: «كَانَ امِيرًا لِمُؤْمِنِينَ^(ع) كُلُّ بَكْرَةٍ يَطُوفُ فِي آسَاقِ الْكُوفَةِ سَوْقًا سَوْقًا...» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۴۱، ص ۱۰۴)؛ امیرالمؤمنین^(ع) هر روز صبح در بازارها یک به یک می چرخید.

بدون تردید مدیر با بهره گیری از این نوع نظارت به امتیازهای شفافیت دست خواهد یافت؛ از جمله:

بهره‌برداری حداکثری از توان نیروها؛

ایجاد دل‌گرمی و ارتقای روحیه؛

افزایش رضایت‌مندی و حس مسئولیت جمعی؛

افزایش توان و دقت در تصمیم‌گیری (آقایپروز، ۱۳۸۴، ص ۲۸۲ و ۲۸۶).

گفتنی است این نوع از نظارت به معنای صرف کامل زمان مفید و ورود کامل مدیر در امور جزئی نیست. زیرا امام ^(ع) از دست دادن مسائل مهم را برای انجام امور مهم، امری ناشایست می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ صَيَّحَ الْأَهَمَّ» (التمیمی الآمدی، ۱۴۰۷، ح ۸۶۰۷)؛ کسی که خود را به کارهای غیر مهم مشغول سازد، کارهای مهم‌تر خود را ضایع کرده است. در بیان حکیمانه دیگری می‌فرماید: «انجام اعمال مستحبی که به واجبات زیان برساند موجب تقرب خداوند نخواهد بود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸).

۲-۱-۲. نظارت غیرمستقیم

به کارگیری عوامل، دستگاه‌ها و نهادهای حقیقی یا حقوقی برای امر نظارت را، نظارت غیرمستقیم می‌گویند. در این نوع از نظارت، مدیر از یک یا چند واسطه که درصد اطمینان و اعتماد بالایی دارند و به منزله چشم وی هستند، استفاده می‌کند و در یک جمع‌بندی کلی وظایف نظارتی خود را از طریق عواملش انجام دهد (تقوی دامغانی، ۱۳۸۷، ص ۹۵-۹۷).

مولای متقیان حضرت علی ^(ع) جدا از این‌که گاه خود شخصاً برای نظارت حضور پیدا می‌کردند در موارد فراوانی این کار را به افراد معتبر و اگدار می‌کردند. مأمور کردن «مالک بن کعب ارحبی» به وسیله امام علی ^(ع) از این نمونه است. حضرت به «مالک بن کعب»، یکی از فرمانداران ایشان در منطقه «عین التمر»، نامه‌ای نوشت و به او دستور داد تا به منطقه عراق برود و بر عملکرد کارگزاران در آن منطقه نظارت داشته باشد و نتیجه کار خود را به اطلاع ایشان برساند و راستی را از یاد نبرد (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۳۴، ص ۵۲).

۲-۲. نظارت پنهانی

نظارت بر فعالیت‌های در حال اجرا و استخراج نقاط ضعف و قوت مجریان به گونه‌ای غیرصریح و غیرمستقیم که زیردستان به صورت مستقیم متوجه آن نشوند، نظارت مخفی می‌گوییم. تبیین جایگاه و ناکارآمدی روش‌های مستقیم و صریح نظارت، ما را به ارزش و جایگاه نظارت مخفی و غیرمستقیم رهنمون می‌سازد. سخن امام علی ^(ع) در این باره شنیدنی است. ایشان در بیان پیامدهای نامناسب برخی نیروهای تحت امر هشدار می‌دهند که چه بسا برخی افراد با طراحی شرایط ویژه و ظاهرسازی‌های فریب‌کارانه، تلاش کنند مدیر را گمراه سازند. حضرت علی ^(ع) خطر این‌گونه افراد را به مالک اشتر نخعی گوش‌زد می‌کند: «فَأَنَّ الرِّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوَلَاةِ بِتَصْنُوعِهِمْ وَ حُسْنِ خِدْمَتِهِمْ، وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ شَيْءٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ مردان کارآزموده و اجتماعی و سیاسی با حالات تصنعی می‌توانند خود را بر فراست زمامداران عرضه کنند و خوش‌خدمتی خود را به رخ آنان بکشند، در صورتی که پشت این نقاب ساختگی، نه خیرخواهی و خیراندیشی دارند و نه امانت‌داری برای انجام وظایفشان. در ادامه توصیه‌های خود می‌فرمایند: «وَ أْبْعَثِ الْعُيُونَ...» (همان)؛ چشم‌هایی مخفی بر کارگزاران و کارمندان

بگمار. لسان العرب واژه "العین" را این‌گونه تعریف کرده است: «العینُ الذی یُبْعَثُ لیتجسسَ الخبرَ، و یسمى ذَا العَینین، و یقال تسمیه العرب ذَا العینین و ذَا العُوینین، کله معنی واحد» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۳۰۱). البته تأکید به این روش به معنای نفی روش‌های دیگر نیست و همچنان‌که گذشت، شیوه‌های آشکار اعم از مستقیم و غیرمستقیم، فواید و آثار خاص خود را در بردارد. شیوه غیرعلنی و مخفی نیز از مزیت‌های بسیاری برخوردار است که ضرورت بهره‌گیری از آن را بیان می‌کند. از جمله:

الف) نظارت مخفی، از رفتار خودکامانه پیشگیری می‌کند.

ب) در این روش، گزارش‌کنندگان در محظوره‌های گوناگون شیوه مستقیم و علنی قرار نمی‌گیرند.

ج) در این شیوه، پنهان کردن امور و تصنع و ظاهرسازی برای فریب ناظر انجام نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ۱۶۸-۱۷۰).

دقت در نامه‌های امیرالمومنین علی^(ع) بیان‌گر توجه زیاد حضرت به نظارت پنهانی است. چنان‌که در ابتدای بسیاری از نامه‌هایی که به کارگزاران خود نوشته اند آمده است که: «بَلَّغْنِي عَنكَ...» (نامه‌های ۶۳، ۴۰، ۷۱، و ۴۳)؛ در مورد تو به من این‌گونه گزارش رسیده. «رُقِيَ إِلَيَّ عَنكَ...» (نهج البلاغه، نامه ۷۱)؛ درباره‌ی تو به من خبر رسیده که... «بَلَّغْنِي رَسُولِي عَنكَ...»؛ فرستاده من درباره تو چنین اطلاع داد... «رسولی أَخْبَرْتَنِي بِعَجَبٍ...»؛ فرستاده من قضیه شگفتی را برایم گزارش کرد... .

در نهج البلاغه امام بیش از بیست نامه به استناداران و عاملان خود در سرزمین‌های اسلامی نوشته و طی آن، برخی را سرزنش و بعضی را عزل کرده است. برای نمونه نظری بر نامه آن حضرت به عبدالله بن عباس، فرماندار بصره، بیندازیم:

«بدرفتاری تو با بنی‌تمیم و خشونت با آنان را به من گزارش دادند. طایفه بنی‌تمیم همان‌ها هستند که هرگاه مردی نیرومند از دست دادند، نیرومند دیگری در میانشان چشم گشوده است... ای ابوالعباس! مدارا کن، امید است خداوند درباره آنچه بر زبان و دستت، از خیر و شر جاری شد، تو را بیامزد! زیرا هردو، در این رفتار شریکیم و سعی کن حسن ظن من به تو پایدار بماند و نظرم درباره تو دگرگون نشود. والسلام» (نهج البلاغه، نامه ۱۸).

- در نامه دیگری به یکی از فرماندارانش ضمن بیان این نکته که من کارهایت را دقیق زیر نظر دارم، تصریح می‌فرماید که من در این باره تأمل و اندیشه داشته‌ام و به صورت سطحی تصمیم نمی‌گیرم و مکاتبه نمی‌کنم: «اما بعد؛ دهقانان محل فرمانداریت از خشونت، قساوت، تحقیر و سنگ‌دلی تو شکایت آورده‌اند و من درباره آنان اندیشیدم...» (همان، نامه ۱۹).

- همچنین در نامه امام^(ع) به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره - عبدالله بن عباس - که در آن روزگار فرمانداری بصره، اهواز، فارس، کرمان و دیگر نواحی آن‌جا را از سوی امام عهده‌دار بود، با سوگند الهی و تأکید عبارتش را آغاز می‌فرماید که علی^(ع) اهل مجادله و مدافعه نیست و با قاطعیتی برخاسته از کلام وحی می‌فرماید:

«صادقانه به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر گزارش رسد که از غنایم بیت‌المال مسلمانان، چیزی کم یا زیاد، به خیانت برداشته‌ای، آن چنان بر تو سخت بگیرم که در زندگی، کم بهره و بی‌نوا و حقیر و ضعیف شوی! والسلام» (همان، نامه ۲۰).

- نظارت جدی و همه جانبه امام و نیز انعکاس صریح گزارش‌ها به مسئولان و مجریان و درخواست پاسخ از آنان از جمله نکات ارزشمندی است که در نامه زیر به یکی دیگر از فرماندارانش صادر شده است: «اما بعد: درباره تو به من جریانی گزارش شده است که اگر انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده‌ای، امامت را عصیان کرده‌ای و امانت (فرمانداری) خود را به رسوایی کشیده‌ای. به من خبر رسیده که تو زمین‌های آباد را ویران کرده‌ای و آنچه توانسته‌ای، تصاحب کرده‌ای و از بیت‌المال، که زیر دستت بوده است به خیانت خورده‌ای. فوراً حسابش را برایم بفرست! و بدان که حساب خداوند از حساب مردم سخت‌تر است! و السلام» (همان، نامه ۴۰).

- در نامه^(۴) امام^(ع) به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار داروشیرفره (از شهرهای فارس)، درباره ضرورت دقت در زمینه عدم تبعیض میان نیروها و رزمندگان تذکر صریح داده‌اند:

«به من درباره تو گزارش رسید - که اگر درست باشد و این کار را انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده و امامت را عصیان کرده‌ای - که تو غنایم مسلمانان را که به وسیله اسلحه و اسب‌هایشان به دست آمده و خون‌هایشان در این راه ریخته شده، در بین افرادی از بادیه نشینان قبیله‌ات که خود برگزیده‌ای تقسیم می‌کنی!...» (نهج البلاغه، نامه ۴۳).

- مناسب است به فرازی از طولانی‌ترین نامه^(۵) نهج البلاغه که امام به مالک اشتر نخعی، استاندار مصر نگاشته و به حق منشور مدیریت اسلامی محسوب می‌شود، نگاهی داشته باشیم و از آن جا که بدون تردید «کلام علی علیه السلام» است، ترجیحاً از نص عربی نیز مدد می‌جوییم که می‌فرماید:

لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسَنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ مِمَّنْزِلَهُ سِوَاءَ فَإِنَّ فِي ذَالِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءِ عَلَى الْإِسَاءِ وَ أَلْزِمَ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ... وَ تَحْفَظْ عَلَى الْإِعْوَانِ؛ فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارَ عِيُونِكَ لَا كَتْفِيْتِ بِذَالِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَكَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذْلُومِ وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ...؛

هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار، در نظرت مساوی باشند. زیرا این کار سبب می‌شود که افراد نیکوکار در نیکی‌هایشان بی‌رغبت شوند و بدکاران در عمل بدشان تشویق گردند. هر کدام از اینان را مطابق کارش پاداش ده ... اعوان و انصار خویش را سخت زیر نظر بگیر. اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و مأموران سری تو متفقاً چنین گزارش دادند، به همین مقدار از شهادت قناعت کن و او را زیر تازیانه کیفر بگیر و به مقدار خیانتی که انجام داده است او را کیفر کن و داغ خیانت بر پیشانی وی بزن و حلقه بدنامی برگردنش بیاویز... (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در این زمینه سخنان نهج البلاغه دریایی بی‌پایان است که علاقه‌مندان محترم را برای آگاهی بیشتر و تبیین جامع‌تر بُعد نظارتی حضرت در دوران حکومتش به نامه‌های ۲۳، ۲۵-۲۷، ۴۱، ۵۳، ۶۱، ۶۳، ۷۰ و ۷۱ ارجاع می‌دهیم. جمع‌بندی نامه‌ها

حکومت گسترده امیرالمومنین^(ع) شامل مصر، عراق، حجاز (مکه و مدینه)، ایران (شیراز و آذربایجان) و نقاطی دیگر، نظام نظارتی بسیار حساس و دشواری را نیاز داشته و عبارات یک‌سان حضرت در نامه‌ها با به‌کارگیری کلماتی مانند: «بَلَّغْنِي عَنكَ»؛ «اخرنی رسولی و ...» نشان از آن دارد که چندین دستگاه اطلاعاتی و تجسس و نظارتی قدرتمند، خبرها را به آن حضرت می‌رسانده‌اند و نمی‌توان تنها به عبارت «و ابعث

- العیون» که در نامه مالک اشتر آمده، اکتفا کرد.
۲. اهمیت و ضرورت نظارت بر کار کارگزاران و استانداران که مدیران ارشد نظام هستند در سیره امام (علیه السلام) کاملاً مشهود است. فراوانی و تنوع نامه‌ها و موضوعات مربوط، حاکی از آن است که سیره نظارتی مستمری در این زمینه وجود داشته است.
۳. موضوعات مورد نظارت، گسترده و متنوعند که بر اساس بررسی مستندات نهج البلاغه می‌توان به مهم‌ترین موارد به شرح ذیل اشاره کرد:
- الف) انضباط اقتصادی و اهتمام حضرت به بیت‌المال و عدم حیف و میل آن و نظام دریافت خراج؛
- ب) انضباط نظامی و ضرورت تبعیت‌پذیری در امور تشکیلاتی که در نامه‌های کمیل و عبدالله بن عباس به آن اشاره شد؛ ج) انضباط اجتماعی و اخلاقی کارگزاران و خراج‌بگیران از مردم که در قالب توصیه‌های جاودانه به ما رسیده است؛ د) وجدان اخلاقی که اصلی‌ترین محکمۀ نظارتی درونی در همه انسان‌هاست و ضرورت توصیه مکرر به آن؛ مانند: سفارشات حضرت به مالک اشتر و شریح قاضی.
۴. مضمون برخی نامه‌ها شبیه آیین‌نامه‌های انضباطی است؛ برای نمونه نامه خراج‌گیران نشان‌گر این نکته است که با تکیه بر قاعده عقاب‌بلا بیان نخست باید وظایف و حدود و ثغور انضباط را مشخص و ابلاغ، سپس تذکر داد و اقدام کرد.
۵. روش حضرت در تنوع تذکرات و توبیخ‌ها نشان از آن دارد که لحن و خطاب حضرت، متناسب با نوع و سطح تخلف تغییر می‌کند و غلظت یا میانه‌گویی ایشان در مکاتبات متناسب با تخلف است. از تهدید به عزل ابوموسی اشعری تا مصادره اموال منذر بن جارود و تذکرات اخلاقی دیگر، خود، گویای معیار نظارتی تناسب بین کیفر و جرم است.
۶. تأکید بر این که در مؤاخذه انضباطی، همه افراد مساویند و حتی فرزندان ایشان نیز مستثنا نیستند و از هیچ امتیاز ویژه‌ای بهره‌مند نخواهند بود. بدیهی است امام^(ع) در این زمینه‌ها بر نزدیکان سخت‌گیرتر بود، تا دیگران درس عبرت بگیرند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۴۳).

پیگیری‌های پس از نظارت

هدف از بازرسی و نظارت، فسادزدایی و مبارزه با تخلف‌ها و ارتکاب جرم است. در صورتی که مدیر و مسئول گروه، پس از انجام نظارت و دریافت گزارش و نتایج، توجهی به آن نکند، نه تنها تلاش ناظران بی‌فایده می‌نماید؛ بلکه موجب نقض غرض و تجزی و سرکشی خلاف کاران و جرأت‌دادن به آن‌ها در ارتکاب جرم یا کم‌کاری در مسئولیت‌ها نیز می‌شود (حمیدزاده، ۱۳۸۶، ص ۱).

آنچه مهم است این که سیره علوی در دوران کوتاه حکومتی، قاطع، سازش‌ناپذیر و مدبرانه بود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۲۹۵-۳۱۱ و ۲۷۷). حضرت بعد از نظارت دقیق و بررسی گزارش‌ها، با جدیت برخورد می‌کرد؛ برای خائنان مجازات، برای بی‌لیاقت‌ها، سلب مسئولیت و بازگشت به مرکز و برای ناتوانان و بی‌تدبیران جایگاه مناسب خود، تدبیر می‌فرمود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۴۵۳-۴۹۳). در این مختصر به چند محور مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱-۳. گزینش و شایسته‌سالاری

سلامت و ارتقای نظام اسلامی مردم‌سالار، در گرو انتخاب و گماردن افرادی شایسته، دل‌سوز و معتقد است. بدیهی است برای انتخاب هر فرد در هر مسئولیتی، شایسته است تناسب کار با توان و شایستگی‌های فرد در نظر گرفته شود و به نسبت سطح و عمق تعهد، کارایی و تخصص و عشق به کار، پست به آنان اعطا شود (باب‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۷۴-۷۵).

امام ع در بیان ارزشمندی می‌فرماید: «نَمَّ انْظُرُ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلَهُمْ وَلَا تُؤَلِّهِمْ مَحَابَاةً وَ أَثَرَةً. فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

«آن‌گاه در اعمال کارکنانت دقیق باش، وقتی که آن‌ها را آزمودی به کار بگمار، مبدا ایشان را از روی هوای نفس و یا به قصد کمکی به ایشان، بی‌حساب مشغول کار کنی. زیرا این‌ها رشته‌هایی از ستمکاری و خیانت به مردم است» (بحرانی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹).

موارد ذکر شده جز با رصد و نظارت دقیق، قابل تشخیص نیست و جز با پیگیری‌های مستمر به دست نمی‌آید. ملاحظه می‌کنیم که آن زمان که بر حضرت ناتوانی «محمد بن ابی بکر» در فرمانداری مصر، محرز شد مالک اشتر را به جای او ماموریت داد و پست دیگری برای او آماده کرد که مناسب با ظرفیت‌ها و لیاقت‌های وی بود. (نهج البلاغه، نامه ۳۴).

«عمر بن ابی سلمه» استاندار امام علی^(ع) در بحرین و قسمتی از فارس بود؛ امام^(ع) در آستانه حرکت به سوی جنگ صفین با شناختی که از ویژگی‌های رزمی عمر بن ابی سلمه داشت او را فراخواند و وی را در بخش مدیریت نظامی بکار گماشت و به جای او «نعمان بن عجلان» را برای اداره آن سرزمین فرستاد (همان، نامه ۴۲).

۲-۳. تنظیم نظام جزا و پاداش

فطرت انسان از حس حساب‌گری و برتری‌جویی برخوردار است و در برابر نیکی‌ها به صورت قهری سر تعظیم و سپاس‌گزاری دارد (الرحمن/۶۰). براین اساس هر فردی درباره لطف و محبت‌های دیگران حس قدرشناسی دارد و نیکان را تشویق می‌کند. این حس و نیاز اجتماعی، استعداد‌های نهفته را شکوفا و آن‌ها رابه آینده خویش امیدوار و اراده خدمت و فعالیت‌های گروهی و جمعی را تقویت می‌بخشد. خداوند متعال در آیات فراوانی، حرکت یک‌سان در برابر انسان‌های خوب و بد را محکوم کرده و در قالب استفهام انکاری، پرسشی را مطرح می‌کند که:

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (ص/۲۸)؛

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار دهیم یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟»

امام علی^(ع) تشویق و قدردانی را بهترین انگیزه تلاش و حرکت سالم اجتماعی می‌داند و به مالک اشتر فرمان می‌دهد که:

مبدا نکوکار و بدکار در نزدت یک‌سان باشند، که رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید... (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

قبل می‌زند. بنابراین لازم است که محبوب‌ترین کارها در نزد او عمل صالح باشد، تا خوش‌نامی میان مردم حاصل شود که خود دلیل بر ذکر نام او از جمله صالحان در نزد خداست» (بحرانی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۷). حضرت^(ع) در سخنان خود، نصیحت و خیرخواهی را مطالبه می‌فرماید. البته نصیحت محقق نمی‌شود مگر با نگاه منصفانه، نقادانه و نظارتی که از سوی زیردستان بر مسئول اعمال می‌شود.

وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةِ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ؛ و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمائید و فرمان دادم اطاعت کنید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

در نگاه حضرت، نظارت هیچ‌گاه یک‌طرفه نیست و اعضای گروه نیز وظیفه دارند همواره ناظر بر مسئولان خود باشند و در صورت لزوم به نصیحت آنان بپردازند. شایان ذکر است که امام^(ع) حتی در بحرانی‌ترین شرایط از انتقاد به خود دست نکشیده و به عنوان اصلی فراگیر برای همه انسان‌ها و جوامع مختلف، بر آن اصرار دارد؛ برای مثال در بحبوجه جنگ صفین پس از جمله‌های صریح در زمینه ضرورت انتقاد منصفانه مردم به حاکمان، به این مهم اشاره می‌فرماید که:

فَلَا تَكْفُوا عَنِّي مَقَالَةً بِحَقِّي أَوْ مَشُورَةً بَعْدَ فَاثِي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا أَمِنَ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي؛
از گفتن حقیقت یا رایزنی در عدالت به من خودداری نکنید که من، نه برتر از آنم که خطا نکنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم؛ مگر آن‌که خداوند مرا کفایت کند که از من بر آن توانا تر است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۵۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

بنابراین سخنان امام در دوران حکومتشان بر جامعه اسلامی، به میزانی که به ما منتقل شده است، بر اصل نظارت همگانی در فعالیت‌های گروهی اصرار ورزیده و در قالب یکی از محوری‌ترین و با ارزش‌ترین راه‌کارهای ارتقای جوامع اسلامی مدنظر آن بزرگوار بوده است که در عمل بر آن تأکید شده و در نامه‌های رسمی با سوگند و صراحت بی‌نظیری درباره‌اش پافشاری کرده است.

۲-۴. مهم‌ترین ویژگی ناظران

در کارهای گروهی، ممکن است افرادی فرصت طلب و منافق حضور یافته و برای مطرح شدن خود، به افشاگری و درشت نمایی عیوب دیگران یا حتی سیاه‌نمایی فعالیت‌های آنان بپردازند؛ از این رو مدیر و مسئول گروه شایسته نیست به هر نوع اطلاعات واصله ترتیب اثر دهد. او باید ضمن اهتمام به جایگاه خطیر شغلی افراد، فرایند گردآوری اطلاعات و نیز انگیزه‌های ناقلان، نتایج اطلاعات واصله را با حساسیت و دقت، واریسی کند (بابازاده، ۱۳۷۹، ص ۸۵). بدیهی است ناظری که به این مهم گماشته می‌شود شایسته است از نظر خصلت‌های انسانی و اسلامی، به ویژه صداقت و امانت‌داری، ارزش‌مدار و خدامحور بوده و از دیگران، گامی فراتر باشد. امیر مومنان، علی^(ع) درباره ویژگی آن‌ها می‌فرماید:

ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثُوا الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَذْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ؛ سپس همه کارگزاران را تحت نظر بگیر و بازرس‌هایی مخفی از میان مردمی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار، زیرا تحت نظر قرار دادن پنهانی امور کارگزاران،

آنان را وادار به حفظ امانت و مدارا با رعیت می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). چنان‌که ملاحظه می‌شود، ایشان اصل نظارت و پیگیری را ضرورت اداره امور جامعه دانسته و آن را ضامن امانت‌داری، خوش‌رفتاری و درست‌کرداری کارگزاران برشمرده‌اند و «راستگویی» و «وفاداری» را دو عنصر اساسی دینداری می‌دانند و بر آن تأکید می‌کند. ایشان در بیان دیگری، ناظران را به رعایت حال طبقات پایین جامعه و اطلاع‌رسانی در این زمینه توصیه می‌کنند و به یکی دیگر از ویژگی‌های محوری آن‌ها که «تواضع و فروتنی» است، اشاره می‌فرمایند: *فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ ثِقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَّاضِعِ، فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ...*؛ پس برای رسیدگی به امور آن‌ها مردمی را معین کن که در نزد تو مورد اطمینان و اهل ترس از خدا و فروتن باشند، تا نیازها و مسائل آنان را به تو اطلاع دهند... (همان).

نتیجه‌گیری

از بیان صریح خدای حکیم در آیه ۵۳ سوره یوسف که می‌فرماید: *«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»*، استفاده می‌شود که انسان همواره در معرض لغزش و امیال نفسانی خویش است. هیچ فعالیت گروهی و اجتماعی بدون رهبری، نظارت، پیگیری نمی‌تواند به اهداف نهایی خود به گونه مطلوب، دست یازد. اسلام از دو منظر، درباره رفتار شایسته انسان تأکید کرده است: اول، پرورش فطرت پاک انسانی و توصیه‌های فراوان با تکیه بر مبانی اعتقادی راسخ؛ دوم، ضمن تأکید بر مضامین اخلاقی و رفتاری و بارورسازی معنویت درونی انسان‌ها در روابط اجتماعی و فردی، برکنترل و نظارت مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های مجریان و کارگزاران نیز اهتمام ورزیده است.

بررسی سخنان و شیوه‌های به‌کارگیری نظارت در سیره حکومتی امام علی (ع) الگوی ارزشمندی برای جوامع اسلامی است تا با مطالعه دقیق آن، به تناسب فضا و مقتضیات زمانی و مکانی به کارگرفته شود. از منظر نهج‌البلاغه، که سند بخشی از سلوک مولای متقیان در عرصه فعالیت‌های گروهی است؛ «نظارت» از اصول مهم فعالیت‌های گروهی است که به روش‌های مختلف اعمال شده است.

نظام نظارتی، یکی از ارکان حکومت علوی محسوب می‌شود. ایشان به تناسب موضوع‌های مختلف از روش‌های گوناگونی برای رصد و پیمایش مسائل حتی در دورترین نقاط تحت حکومت بهره می‌برد؛ یعنی همچنان‌که سرکشی و نظارت بر اعضای کارگروه خود را به عهده اشخاص امین و راست‌گو می‌سپرد، گاهی نیز خود شخصاً برای امر نظارت به صورت آشکار اقدام می‌کرد؛ به میان اعضای گروه کاری‌اش می‌رفت و از نزدیک و بی‌واسطه امور را مشاهده می‌کرد. این روش‌ها، ایشان را از سایر راه‌ها غافل نمی‌کرد؛ روش‌هایی که امکان هرگونه تظاهر احتمالی را می‌بست. ایشان با استفاده از ناظران و افراد ناشناس، مخفیانه نیز امور را زیر نظر می‌گرفت.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم (ترجمه مکارم شیرازی)
- سیدرضی، نهج البلاغه، مترجم و شرح محمد تقی جعفری، ۲۷ جلد، چاپ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۰)، مقدمه ابن خلدون من کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر، تهران: نشر استقلال.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابی الحسین مسلم بن حجاج القشیری النیسابوری، (۲۰۰۴)، صحیح مسلم، الطبعة الاولى، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارصادر.
- اختری، عباسعلی، (۱۳۸۴)، مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آقاپیروز، علی و همکاران، زیر نظر سیدمه‌دیالوانی، (۱۳۸۴)، مدیریت در اسلام، چاپ دوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آنتونی گیدنز، دورکیم، (۱۳۶۳)، ترجمه یوسف ابادری، تهران: خوارزمی.
- بابازاده، علی اکبر، (۱۳۷۹)، سیمای حکومتی امام علی (ع)، چاپ دوم، قم: نشر انصاریان.
- بحرانی، میثم بن علی، (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، چاپ اول، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- پهلوان؛ منصور، (۱۳۸۷)، فرهنگ واژگان نهج البلاغه، چاپ نخست، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- تقوی دامغانی، سیدرضا، (۱۳۸۷)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ نهم، (بی جا): انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- التیمی الامدی عبدالواحدی، (۱۴۰۷)، غررالحکم و دررالکلم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جاسبی، عبدالله، (بی تا)، مباحثی از مدیریت اسلامی (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- جواهری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، نظارت از دیدگاه امیرالمومنین، چاپ اول، مشهد: انتشارات امام محمد باقر (ع).
- حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۸۳)، مدیریت فرهنگی، چاپ سوم، قم: نشر هاجر.
- حبیب‌الله طاهری، (۱۳۸۴)، «نظارت (اصولی از اصول مدیریت) از دیدگاه قرآن و سنت»، مجموعه مدیریت، فرهنگ مدیریت، شماره ۱۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، (بی تا)، معارف و معاریف، چاپ دوم، تهران: انتشارات مفید.
- دادگر، داوود، (۱۳۸۶)، «مبانی بازرسی و تهیه‌ی گزارش‌های ویژه نظارتی»، مجموعه مقالات دومین همایش نظارت و بازرسی... www.gio.ir، شماره ۲۵.
- دشتی، محمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ واژه‌های معادل نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: نشر موسسه تحقیقاتی امام علی (ع).

- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۹)، ارباب امانت (اخلاق اداری در نهج البلاغه)، چاپ پنجم، تهران: نشر دریا.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رشاد، علی اکبر، (۱۳۸۲)، دانشنامه امام علی (ع)، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روسک، جوزف، (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه فروردین.
- سعید امیر کاوه، (۱۳۷۶)، «نظارت اجتماعی، مجموعه علوم انسانی»، معرفت، شماره ۲۱.
- سید صمصام الدین قوامی، (۱۳۸۳)، «مدیریت از منظر کتاب و سنت»، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، چاپ نجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبد الباقی، محمد فواد، (۱۳۷۹)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، چاپ اول، بی جا: نشر ذوی القربی.
- فروزنده دهکردی، لطف الله / جوکار، علی اکبر، (۱۳۸۹)، مدیریت اسلامی و الگوهای آن، چاپ سوم، بی جا: نشر دانشگاه پیام نور
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس، (بی تا)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه توسلی، غلامعباس، چاپ دوم، تهران: سمت.
- متقی هندی، علاء الدین، (۱۴۱۲ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۵)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۸)، موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتب و السنه و التاريخ، قم: نشر دارالحديث.
- مدرسی، محمد تقی، (بی تا)، تفسیر من هدی القرآن، (بی جا).
- مشکینی، علی، (۱۳۶۳)، الهادی الی موضوعات نهج البلاغه، چاپ اول، بی جا: نشر وزارت ارشاد.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۶)، معارف قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، جامعه و تاریخ، چاپ ۲۴، تهران: انتشارات صدرا.
- معادینخواه، عبدالمجید، (۱۳۷۳)، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه)، ۱۰ جلد، چاپ اول، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد.
- الموسوی، باقر محسن، (۱۳۸۴)، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی (ع)، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نبوی، محمد حسن، (۱۳۸۴)، مدیریت اسلامی، چاپ نهم، قم: نشر بوستان کتاب قم.
- نصیرزاده، قاسم، (بی تا)، سیری در رساله‌ی حقوق امام سجاد (ع)، چاپ اول، قم: نشر یاقوت.
- هادی حمیدزاده، (۸۶/۹/۲۲) «مقاله ضرورت بازرسی»، نشریه حمایت.
- -----، (۱۳۷۹)، سیاست نامه امام علی (ع)، ترجمه مهدی مهریزی، قم: نشر دارالحديث.